

◀ منابع

الام: محمد بن ادريس الشافعی (م.٢٠٤ق.)،
بيروت، دار الفكر، ١٤٠٣ق؛ الامالی: محمد بن
حسن الطوسي (٣٨٥-٤٦٠ق.)، تصحیح
محققان بنیاد بعثت، قم، دار الثقافه، ١٤١٤ق؛
البحر الرائق شرح کنز الدائقه: زین الدین ابن
نجیم الحنفی (م.٩٧٠ق.)، تحقیق زکریا
عسیرات، بيروت، دار احیاء التراث العربي، ١٤١٨ق؛
جواهر الكلام فی شرح شرائع الاسلام: محمد
حسین نجفی (١٢٦٦-١٢٠٠ق.)، تحقیق عباس
قوچانی، بيروت، دار احیاء التراث العربي، بی‌تا؛
السرائر الحاوی لتحریر الفتاوى: محمد بن
احمد بن ادريس (٥٩٨م.ق.)، قم، دفتر
انتشارات اسلامی، ١٤١١ق؛ صحیح البخاری:
محمد بن اسماعیل البخاری (م.٢٥٦ق.)، به
کوشش عبدالعزیز بن عبدالله بن بار، بيروت، دار
الفکر، ١٤٠١ق؛ الصحیح: مسلم بن الحجاج
(م.٢٦١ق.)، بيروت، دار الفکر؛ فوہنگ فقه
مطابق مذهب اهل بیت علیہم السلام: جمعی از
پڑوھشگران زیر نظر سید محمود هاشمی
شهرودی، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه
اسلامی، ١٤٢٦ق؛ قواعد الاحکام فی معرفة
الحلال و الحرام: حسن بن یوسف حلی (٦٤٨-
٧٢٦ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ١٤١٣ق؛
الکافی: محمد بن یعقوب کلینی (م.٣٢٩ق.)، به
کوشش علی اکبر غفاری، تهران، دار الكتب
الاسلامیه، ١٣٧٥ش؛ المبسوط: محمد بن
احمد السرخسی (م.٤٨٣ق.)، بيروت، دار
المعرفه، ١٤٠٦ق؛ المجموع شرح المذهب:
یحیی بن شرف النووی (٦٣٦-٦٧٦ق.)، بيروت،
دار الفکر؛ المعجم الكبير: سلیمان بن احمد
الطبرانی (٣٦٠-٢٦٠ق.)، به کوشش حمدی

حجۃ المنصور

٥٢٩

عبدالمجيد السلفی، بيروت، دار احیاء التراث
العربي، ١٤٠٥ق؛ المغني: عبدالله بن قدامه
(م.٦٢٠ق.)، بيروت، دار الكتاب العربي؛ من
لا يحضره الفقيه: محمد بن على بن بابويه (شيخ
صدقوق) (٣٨١-٣١١ق.)، تحقیق و تصحیح
علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی،
چاپ دوم، ٤١٤٠ق.

محمدسعید نجاتی



حجۃ البلاع ← حجة الوداع

حجۃ المنصور: سفرنامه حج، نوشته یعقوب
میرزا تبریزی

این اثر از سفرنامه‌های عهد ناصرالدین شاه
قاجار است که در سال ١٢٨٥ق. / ١٢٤٧ش. از
راه عثمانی انجام پذیرفته و اطلاعات مفصلی از
این راه و منازل و توقفگاه‌های آن ارائه کرده
است. نویسنده، همه منازل میان راه را بر شمرده
و بی کم و کاست معرفی کرده و از این رو،
سفرنامه‌ای پربرگ فراهم آورده است. معرفی
وسایل، تجهیزات و نفرات، همراه محمل شامی
و آداب و رسومی که در آن رعایت می‌شده،
بر اهمیت سفرنامه، می‌افزاید. بخشی از مطالب
سفرنامه برای آشنایی با وضعیت سفر به حجاز
در فصل بارندگی و مشکلاتی که باران برای
حجاج پدید می‌آورده، مناسب است. همچنین

امور تدارکاتی و اجرایی سفر او و همراهان را بر عهده داشته است. (ص ۳۹۲)

از شخصی دیگر، با لقب «صدرالدوله»، در چند جای سفرنامه یاد شده که برادر یعقوب میرزا بوده است. (ص ۲۰۲، مقدمه مصحح) نسبت نویسنده و همراهان به خاندان سلطنتی، باعث شده است تا در برخی شهرهای مهم میان راه، مانند قاهره، با استقبال کنسول ایران مواجه شوند. (ص ۴۹۱)

سفرنامه به صورت یادداشت‌های روزانه نوشته شده و یعقوب میرزا کوشیده است برای هر روز گزارشی بازنویسید؛ اما در مکه، بدین دلیل که نیازمند تمرکز بر ادای مناسک حج بوده، ثبت وقایع را به پس از مناسک واگذارشته است. (ص ۴۴۵)

نشر یعقوب میرزا بدون تکلف و بیان او از بسیاری وقایع و توصیف‌هایش از افراد و اماکن و منازل میان راه همراه، طنز است و نشان از روحیه طنزپرداز او دارد. گویی کوشیده است با نگاه طنزآمیز به سختی‌های سفر، از تلحی آن‌ها بکاهد. (برای نمونه: ص ۲۶۴)

سفرنامه به پنج فصل، با پنج عنوان، تقسیم شده که به ظاهر، این فصل‌بندی از مصحح سفرنامه است: از تبریز تا استانبول (ص ۲۳۰-۳۰۹)؛ از استانبول تا شام (ص ۳۱۰-۳۵۰)؛ از

در این سفرنامه، درباره اغوات یا خادمان خواجه مسجدالبی و کیفیت سیما و لباس و رفتار آنان با زائران و حج گزاران اطلاعاتی سودمند آمده است.

شرح حال و آثار یعقوب میرزا، نویسنده سفرنامه، در تذکره‌ها و شرح حال نگاری‌ها نیامده است؛ اما از اشارات و عبارات سفرنامه و یادداشت‌های حاشیه‌ها و تقریظهای پایان آن می‌توان اطلاعاتی درباره او کسب کرد. بنا بر تصریح خود نویسنده و یادداشتی از پسرش و برخی یادداشت‌های دیگر در پایان (برای نمونه: ص ۵۳۹) و حواشی سفرنامه (نک: ص ۴۶۲، پاورقی) از شاهزادگان قاجار مقیم تبریز و نام او، یعقوب، و تخلصش در شعر، منصور بوده که در عنوان سفرنامه و نیز در جای جای سفرنامه بدان اشاره شده است. پسرش یوسف، در یادداشتی تاریخ وفات او را ۱۳۲۷ق. نوشته است. (ص ۲۰۰، مقدمه مصحح)

یعقوب میرزا، در سفر حج، همراهانی از خاندان قاجار مقیم تبریز با خود داشته؛ از جمله خواهر مؤیدالدوله و نیز فرزندش محمدطاهر میرزا که از او با عنوان «امیرزاده» یاد کرده است. (برای نمونه رک: ص ۴۰۷) از برخی تعابیر و وقایع سفرنامه بر می‌آید که یعقوب میرزا، در این سفر، تحت امر امیرزاده بوده (برای نمونه رک: ص ۳۹۶) و مسئولیت

سفر بوده که بر شتر و کجاوه سوار شده است.
(ر. ک: ص ۳۷۵)

سفر حج از تبریز آغاز شده و نویسنده از راه عثمانی به حجاز رفته است. (ص ۲۲۹، ۲۳۲) سفر او به کشورهای شمال و شمال غرب ایران و مشاهده وضعیت عمرانی و اجتماعی متفاوت و به نسبت پیشرفته تر آن‌ها تأسف او را نسبت به وضعیت ایران برانگیخته است. (ص ۲۷۴) علاقه یعقوب میرزا به عیش و نوش و حساسیتش به زیبایی و مواجهه‌اش با اقوامی مانند روس، ارمنی و ترک، باعث حسرتش شده؛ به گونه‌ای که گذر از راه عثمانی را به صلاح حجاج ندانسته است. از این رو مطالب قابل توجهی از سفرنامه، به وصف بی‌پرده زیارویان و زشتی یا زیبایی مردمان میان راه اختصاص یافته که گاه مطالبی زننده نیز در آن‌ها یافت می‌شود. (برای نمونه: ص ۲۸۸، ۲۶۹)

برخی از مهم‌ترین شهرها و مناطقی که یعقوب میرزا پس از تبریز دیده است، عبارتند از: مرند، نخجوان، ایروان، تفلیس، باتوم، طرابوزان، استانبول، ازمیر، قبرس، بیروت و دمشق. او در بازگشت از مکه، از شهرهای جده، بندر سوئز، قاهره، اسکندریه، استانبول، مولمون، سورن، تفلیس، ایروان، نخجوان و مرند گذشته است.

شام تا حرمین (ص ۳۵۱-۳۵)؛ در حرمین شریفین (ص ۴۳۶-۴۷۰)؛ بازگشت به ایران. (ص ۴۷۱-۵۳۸)

چهار صفحه پایانی سفرنامه با عنوان «چند یادداشت در پایان نسخه» به ذکر یادداشت‌ها و حواشی نزدیکان و دوستان یعقوب میرزا درباره سفرنامه اختصاص یافته است.

اطلاعات مفصلی از شهرهای میان راه و وضعیت اقلیمی، عمرانی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی آن‌ها در سفرنامه ثبت شده است. تصویرگری و توصیف‌های یعقوب میرزا از اماکن و آثار مانند آنچه درباره منا نوشته است (ص ۴۶۲-۴۶۳)، زنده و محسوس است؛ به گونه‌ای که غالباً تصور روشنی از آن در ذهن خواننده پدید می‌آید. او از برخی اماکن، مانند مسجدالحرام، مسجد ایاصوفیه (ص ۳۱۸، ۴۵۹) و اهرام مصر نقشه‌های گویایی کشیده که در سفرنامه‌های فارسی حج تازگی دارد.

تصاویری از اشیاء مانند حجرالاسود، چراغ گاز، وسائل نقلیه مانند کشتی و خطوط راه آهن در ایستگاه‌های قطار، راه‌ها، حمام‌ها و ساختمان‌ها نیز در سفرنامه به چشم می‌خورد. سفر یعقوب میرزا از طریق خشکی و دریا بوده و او از وسائلی مانند درشکه، کشتی و قطار استفاده و بخشی از راه را نیز با چاربیانی مانند شتر طی کرده و گویا نخستین بار در این

یعقوب میرزا بیست و دوم ذی قعده ۱۲۸۵ق. به مدینه رسیده و نخستین گزارش‌های او از مدینه به رفتار خشونت آمیز و آزارهای مردم شهر اختصاص دارد. به گفته او، مردم شهر که به پیشواز محمول شامی آمده‌اند، رسم داشته‌اند که حاجاج شیعه را سنگباران کنند و گمان می‌کرده‌اند با این کار از خدا حاجت خواهند گرفت. (ص ۴۳۷-۴۳۸) بدرفتاری مردم مدینه، به ویژه خادمان اماکن مذهبی این شهر، در چند جای دیگر سفرنامه گزارش شده است. (برای نمونه: ص ۴۶۹، ۴۴۳)

اغوات یا خادمان خواجه مسجدالنبی دشمنی آشکاری با عجم داشته‌اند و به هر بهانه‌ای آنان را زیر کتک می‌گرفته و حتی از کشن آنان باکی نداده‌اند. (ص ۴۴۲-۴۴۳) یعقوب میرزا معتقد است سبب این آزارها، علاقه زائران شیعه به زیارت بقیع است؛ با این همه، آنان از زیارت بقیع چشم نمی‌پوشند و بلکه از روی غیرت، دفعات زیارت خود را بیشتر می‌کنند. (ص ۴۴۱) بیرون کردن زائران شیعه و منع زیارت و حتی ضرب و شتم و اتهام کفر به آنان، توسط خادمان، در سفرنامه‌های دیگری نیز گزارش شده است.^۱

۱. پنجاه سفرنامه، ج ۱، ص ۵۶۵، «سفرنامه منظوم مکه، میرزا جلایر».

منازل یا توفیقگاه‌های شام و حجاز که نویسنده طی کرده، یک به یک در سفرنامه بر Shermande شده و اطلاعات مفصلی درباره برخی از آن‌ها آمده است. یعقوب میرزا در دمشق، همراه محمول شامی، به مدینه و سپس به مکه رفته است. سربازان و حج گزاران بسیاری محمول شامی، راه‌راهی کرده‌اند. محمول شامی سازماندهی خاصی داشته و هر کاروانی که با آن همراه می‌شده، در جایی تعیین شده قرار می‌گرفته است. (ص ۴۲۲) یعقوب میرزا شکل ستون‌های پنج گانه کاروان و نحوه حرکت آن‌ها در سفرنامه رسم کرده است. (ص ۳۸۴) محمول و کاروان‌های همراه، یک فرسنگ و نیم طول داشته و با پنج ستون کنار هم حرکت می‌کرده و میان ستون‌ها که به گفته نویسنده، مانند کوچه بوده، پیادگان و دستفروشان می‌آمده‌اند. (ص ۳۸۸) فانوس‌ها و مشعل‌ها که کاروان‌های محمول شامی در شب روشن می‌کرده‌اند، منظره زیبایی به صحراء می‌بخشیده است. (ص ۳۹۳-۳۹۶) گروهی از اعراب بومی با شتران تندرو جممازه، برای امور امنیتی و نظامی، در استخدام کاروان بوده‌اند. (ص ۳۸۷، ۴۷۱) بخشی از مطالب سفرنامه به جزئیات و اطلاعاتی از قبیل تقسیم کار و معرفی خدمه و کارکنان محمول اختصاص یافته است. (ص ۳۷۹-۳۸۰)

آزار می داده اند. (ص ۴۴۱)

در سفرنامه اطلاعات چندانی از شهر مکه گزارش نشده، جز برخی مطالب درباره موقعیت آن میان کوهها و این که ساختمان‌های شهر چند طبقه‌اند. (ص ۴۶۱) مسجدالحرام و اماکن پیرامون آن گزارش‌های بیشتری را به خود اختصاص داده اند.

نویسنده نقشه دقیقی از مسجد را ضمیمه گزارش‌های خود کرده است. (ص ۴۵۹) ارتفاع کعبه، فاصله ارکان آن از یکدیگر و وصف حجرالاسود، از مطالب این بخش است. او به بهانه بر شمردن مقامات چهارگانه مذاهب اهل سنت پیرامون کعبه، به عدم اختصاص جایی به

شیعه اعتراض کرده است. (ص ۴۶۰)

به گفته نویسنده، منا، خود، شهری است؛ ولی بدون سکنه و تنها حاجاج، سالی شش روز، از هفتم تا سیزدهم ذی حجه در آن ساکن می‌شوند. ساختمان‌ها و نیز بازار خوبی مانند مکه دارد و باید آن را شهر نامید نه کوه. (ص ۴۶۳)

بر فراز کوه عرفات مسجد کوچکی بوده که اهل سنت به زیارت‌ش می‌رفته‌اند. (ص ۴۶۴) محل قربانی در منا که نویسنده آن را «قصابخانه» خوانده، جایی مانند خندق بوده که گوسفندان را ذبح کرده و در آن

می‌انداخته و دفن می‌کرده‌اند. (ص ۴۶۵)

یعقوب میرزا، در سفر بازگشت، به جده

در مدینه و پیرامون آن، زیارتگاه‌های بسیاری وجود داشته، اما چون محمول شامی تنها سه روز در مدینه می‌مانده و در حومه مدینه امنیت کافی وجود نداشته، حج گزاران فرصت زیارت همه آن‌ها را نیافرته‌اند. (ص ۴۴۲) نامنی اطراف مدینه در سفرنامه‌های دیگر نیز همواره گزارش شده است.^۱

نقشه‌ای از بارگاه پیامبر اکرم ﷺ و جای مقبره، منبر و محراب آن حضرت، از مطالب بخش مدینه است. (ص ۴۴۳) یعقوب میرزا پس از توصیف مسجدالحرام، محل دفن حضرت فاطمه ؓ را در یکی از سه جا دانسته است: یکی در بقعی، دیگری در ضریح مبارک پیامبر ﷺ و دیگری که علامتی ندارد و زائران با تلقیه آن را زیارت می‌کرده‌اند، جایی میان منبر و محراب مسجد است. (ص ۴۴۰) به گفته او، بارگاه چهار امام معصوم(ع) در بقیع، گنبدی سفید از گچ و آجر دارد.^۲ ضریحی از چوب میان بارگاه است که دو صندوق میان آن جای گرفته: یکی بر مزار عباس، عمومی پیامبر ﷺ و دیگری بر مزار امامان. (ص ۴۴۱) در بارگاه امامان، خادمان برای زیارت از زائران پول می‌گرفته و آنان را

۱. نک: پنجاه سفرنامه، ج ۸، ص ۴۷، «سفرنامه مکه، مشیزاده».

۲. پنجاه سفرنامه، ج ۷، ص ۹۹، «سفرنامه مکه، سکینه سلطان (وقار الدله)».

شناخته شده است که رسول جعفریان، بر اساس آن، سفرنامه را تصحیح و همراه مقدمه‌ای ۲۸ صفحه‌ای در مجموعه پنجاه سفرنامه حج قاجاری، در نشر علم تهران، چاپ کرده است.^۱ نسخه چاپی با مقدمه مصحح، ۴۱۲ صفحه وزیری دارد.

﴿ منابع ﴾

پنجاه سفرنامه حج قاجاری: به کوشش رسول جعفریان، تهران، نشر علم، ۱۳۸۹.

ابراهیم احمدیان



حجه الوداع: تنها حج پیامبر اکرم ﷺ پس از هجرت

حجه الوداع، تنها حج گزاری عمومی مسلمانان به همراه پیامبر خدا ﷺ در سال دهم هجری بود که طی آن، رسول خدا بسیاری از احکام و تعلیمات اسلام، از جمله احکام حج و ولایت امام علی ع را برای جمع بیشماری که آن حضرت را همراهی می‌کردند، تشریح فرمود. حجه الاسلام، حجه البلاغ، حجه الکمال

رفته و بدین مناسبت گزارشی از این شهر به دست داده است. جده، بندری فعال و مهم بوده و در اسکله بندر کشتی‌ها از کشورهای مختلف، از جمله ایران و هندوستان دیده می‌شده است. (ص ۴۷۳) ازدحام مسافران باعث شده است تا نویسنده به سختی موفق به تهیه بلیت کشتی گردد و در کشتی، با ازدحام جمعیت و نبود جای کافی، مواجه شود. (ص ۴۷۶-۴۷۹) مسافران، پیش از ورود به سوئز، به اجبار به عین موسی، در دو فرسنگی این بندر، منتقل شده و چند روز در قرنطینه به سر برده‌اند و این مدت بر آنان سخت گذشته است. (ص ۴۸۰-۴۸۲) یعقوب میرزا و همراهان، پس از ادای مناسک حج، تصمیم داشته‌اند برای دیدن مصر به این منطقه بروند؛ اما در بندر سوئز با ممانعت مأموران حکومت مواجه می‌شوند. حکومت عثمانی، در آن سال، سفر حجاج را به مصر مننوع، و حکم کرده بوده که آنان را از بندر سوئز یکسر به استانبول منتقل کنند. با این حال، یکی از همراهان یعقوب میرزا، به واسطه کنسولگری ایران در قاهره، اجازه سفر آنان را به قاهره می‌گیرد و امکان سفر آنان به قاهره نیز فراهم می‌شود. (ص ۴۸۵)

از این سفرنامه تاکنون تنها یک نسخه خطی در کتابخانه مجلس شورای اسلامی

۱. پنجاه سفرنامه، ج ۲، ص ۱۹۹-۵۶۲.

۲. المغازی، ج ۳، ص ۱۰۸۹؛ الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۳۱؛ تاریخ الیقوبی، ج ۲، ص ۱۰۹.